

## موضع غرب در برابر رژیمی که قوانین بین المللی را به سخره گرفته است !

روز دوشنبه ۲۰ آوریل ۲۰۰۹ دنیا شاهد نمایشی بود که در حضور دبیر کل سازمان ملل متحد و نمایندگان بسیاری از کشورها در ژنو ، رئیس جمهور یکی از مستبد ترین دیکتاتوریهای قرن به سخنرانی پرداخت. برای اولین بار نبود که محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور ایران کلیه قوانین و مصوبات سازمان ملل را به سخره می گرفت و آنها را زیر پا می گذاشت. طی چند سال گذشته وی و دیگر رهبران رژیم جمهوری اسلامی ایران ، بارها مصوبات سازمان ملل و قوانین شناخته شده و الزام آوربین المللی را «ورق پاره های بی ارزش» خوانده اند.

اگرسی سال پیش ، اینگونه اظهارات درمحدوده ایران خلاصه می شد و دنیای غرب ظاهرا اینگونه ادعاها را محکوم می کرد، اکنون نیاز اقتصادی غرب موجب شده است تا برخلاف کلیه شئون اجتماعی دنیای متمدن ، به افراد بی مقداری نظیر احمدی نژاد تربیون سازمان ملل داده شود و در سوئیس از او پذیرایی بعمل آید.

قبل از کنفرانس ، اکثرکشورهای غربی با آگاهی از موضع بغایت ضد دمکراتیک و ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی ایران ، شرط مشارکت خود در اجلاس ژنو و گوش کردن به سخنان احمدی نژاد را فقط به چگونگی اظهارات وی درباره اسرائیل خلاصه کرده بودند. تو گویی کشتار صدها هزارنفر از نیروهای انقلابی و مترقی ایران ، سرکوب خلقهای تحت ستم کشورما ، از کردستان تا بلوچستان و از ترکمن صحرا تا آذربایجان و خوزستان برای دنیای غرب هیچگونه اهمیت و ارزشی ندارد!

بدون شک هیچ فردآگاه و انسان مترقی نمی تواند واقعیات جنگ جهانی دوم و وجود هولوکاست را انکار کند. واکنش بجای نمایندگان کشورهای غربی در مورد عدم مشارکت ویا خروج از جلسه سخنرانی احمدی نژاد در ژنو سوئیس ، امری کاملا قابل قبول و مورد تأیید است. موضوعی که نمی توان آنرا نادیده گرفت، این واقعیت انکار ناپذیراست که دفاع از مردم اسرائیل این جواز را برای غریبها صادر نکرده است که حقوق انسانی بیش از هفتاد میلیون نفر از مردم تحت ستم ایران را زیر پا بگذارند. گیریم که احمدی نژاد در مورد اسرائیل سخنان همیشگی اش را در ژنو تکرار نمی کرد ! آیا غربی ها بازهم اینگونه تاکتیکهای مقطعی وی را همانند سخنرانی سه روز قبلش بمناسبت روز ارتش به فایل نیک نمی گرفتند؟ آیا نمایندگان غرب حاضر بودند بخاطر اعمال دیکتاتوری و سرکوب خلقهای تحت ستم ایران کمترین واکنشی نسبت به سخنرانی و یا حضور وی در ژنو نشان دهند؟

باوجودیکه حرفهای رئیس جمهوراسلامی ایران بمناسبت روز ارتش ، ماهیتا هیچگونه تفاوتی با حرفهای قبلی اش نداشت، اما از آنجاکه غریبها دنبال بهانه ای برای توجیه سیاستهای آقای اوباما درمورد مذاکراتش با رژیم ایران هستند، این بیانات را متفاوت ارزیابی نمودند؟! آیا سخن گفتن مثبت ویا منفی درمورد اسرائیل، بخودی خود هیچگونه تغییری در ماهیت دیکتاتوری و سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی ایران بوجودخواهد آورد؟ آیا از لحاظ قوانین و عرف بین المللی این شرط و اصول صحیحی است که یک رژیم دیکتاتوری در داخل کشورخویش به هر جنایتی دست زند ، نسل کشی کند ، بیش از ده هزار زندانی سیاسی را طی ۴۸ ساعت به جوخه اعدام بسپارد، جنایاتی نظیر هولوکاست ویا بدتر از آنرا درکشور خود مرتکب شود ، اما چون سیاستهایش همسو با منافع غرب و هماهنگ با آنهاست، پس می تواند مورد تأیید جامعه بین المللی قرارگیرد؟ همان سیاستی که متأسفانه سالهاست دنیای غرب در برابر دیکتاتورهای نظیر حکومت اسلامی ایران در پیش گرفته است.

## عملکرد دولتهای اروپایی ، بویژه دولت فرانسه در مورد رژیم جمهوری اسلامی ایران

در اروپا ، علی رغم جنجالهای مطبوعاتی پیرامون سیاست واحد اتحادیه اروپا و یکی شدن این قاره ، هنوز در برابر تنگناهای اقتصادی و سیاسی هر کشوری خط مشی جداگانه ای اتخاذ می کند. دولتهای بزرگ در این اتحادیه نظیر: آلمان ، فرانسه ، ایتالیا ، انگلیس ، هلند در مورد بحران اقتصادی جهان سرمایه داری هرکدام راه متفاوتی را برگزیده اند. در مورد رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز منافع اقتصادی آنها موجب اتخاذ تصمیمات متفاوتی گردیده است . بطورمثال در حالیکه دولتهای هلند ، ایتالیا و آلمان از شرکت در جلسه دوربان ۲ بخاطر حضور احمدی نژاد خودداری کردند ، فرانسه که موضعی مواج در تمام زمینه ها اتخاذ می کند و در سالهای گذشته نیز کشورش به پایگاه اصلی تروریستهای رژیم جمهوری اسلامی ایران در آمده است ، موضعی متزلزل نشان داد. فرانسه اعلام کرد در جلسه سخنرانی احمدی نژاد شرکت می کند به شرطی که وی علیه اسرائیل چیز زیادی نگوید! مطمئنا اگر فشار اسرائیلی ها نبود ، این شرط نیز از سوی فرانسه اعلام نمی گردید. باوجود تغییرات اخیر در دستگاه دولتی فرانسه و روی کار آمدن آقای سرکوزی ، امانت‌عین سیاست نهایی در مورد رژیم ایران هنوز هم نه در الیزه که در کمپانیهای توتال ، پژو ، رنو و امثالهم اتخاذ می گردد.

کوشنر وزیر خارجه فرانسه در مورد خروج نماینده کشورش از فرانسه می گوید «من امیدوارم که این حرکت اعتراض آمیز موجب ایجاد حس مسئولیت در سطح جامعه بین المللی گردد. برای اینکه ملتها علیه هر نوع نطق کینه توزانه و هرگونه یاهه گویی گرد هم نیامده اند ، حمایت از حقوق بشر و مبارزه علیه هر نوع نژادپرستی خیلی مهم است» .

بسیار خوب ، سخنان آقای کوشنر مردم پسند و شاید هم برای فرانسویها اغوا کننده است ، اما بجا بود اگر آقای کوشنر برای یکبار هم که شده به نمایندگانش دستور می داد ، بخاطر رعایت حقوق بشر و اعمال دیکتاتوری در ایران ، مذاکرات دوجانبه بین نمایندگان رژیم ایران و فرانسه در پاریس و صرف ناهار ماهیانه با سفیر و سایر دیپلمات - تروریستهای رژیم ایران هم به تعویق بیافتد! چه رسد به اینکه دستور دهد جلسات هماهنگی مشترک با سفیر رژیم در پاریس را ترک کنند؟! آقای کوشنر ادعا می کند: «حمایت از حقوق بشر و مبارزه علیه هر نوع نژادپرستی خیلی مهم است». کاملا درست ، اما چرا هنگامیکه پای منافع اقتصادی در میان است ، همیشه حقوق بشر باید نادیده گرفته شود و نژاد پرستی راهم فقط در محدوده انکار کنندگان هولاکاست ارزیابی نمود؟ اگر شکنجه و اعدام ده ها هزار نفر از نیروهای انقلابی و مبارز در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و کشتار صدها هزار نفر از مردم سراسر ایران در مقوله حمایت از حقوق بشر نمی گنجد ، پس استناد جستن گاه و بیگاه به این میثاق بین المللی به چه درد می خورد!

دولتهای غربی بویژه فرانسه ، هر بار که مجبور شدند اظهاراتی علیه رژیم دیکتاتوری ایران بر زبان آورند بلافاصله یا توسط سفرای سیار و یا از کانالهای مختلف به حاکمان ایران پیغام فرستادند که موضوع را خیلی جدی بگیرید ، مصرف داخلی داشته است. برای اینکه بی مدرک سخن نگفته باشیم ، باز هم به موضع گیری یک روز بعد از کنفرانس ژنو آقای کوشنر باز می گردیم . وی طی مصاحبه با کانال ۵ فرانسه می گوید : « سفر متکی که من مرتبا با او دیدار می کنم و قرار بود این هفته در پاریس باشد ، کمی به تعویق انداخته شد. من فکر می کنم این سفر لزوما اندکی به تعویق می افتد ، اما ، ما رابطه خود را قطع نمی کنیم و به روند مذاکرات نیز پایان نمی دهیم. ما به هیچ وجه بر علیه ایرانی ها نیستیم. ما در این منطقه بی چون و چرا طرفدار صلح هستیم و اگر احمدی نژاد دوباره انتخاب شود ، باز درها به روی مذاکره بسته نخواهد شد» .

ملاحظه می کنید که درازای یک قدم به جلو برداشتن در ژنو ، طی ۲۴ ساعت، دولت فرانسه چند قدم به عقب فرار کرده است. مطمئناً اگر بخاطر رقابت های حزبی در داخل فرانسه نبود «این سفر لزوماً اندکی به تعویق» نمی افتاد و آقای کوشنر مجبور نمی شد به احمدی نژاد پیام بفرستد که اگر دوباره هم انتخاب شدی روی ما حساب کن !

## سوئیس کشور «بی طرفی» است اگر پای نفت و گاز در میان نباشد!

هانس رودلف مرز رئیس جمهور سوئیس ضمن خوش آمد گویی به محمود احمدی نژاد در ژنو گفت : «حضور شما فرصت مغتنمی است تا درباره راه های توسعه روابط دوجانبه ، همکاری های منطقه ای و بین المللی بحث و تبادل نظر شود». به دنبال اظهارات آقای رودلف مرز، دولت سوئیس نیز اطلاعیه ای صادر کرد که محور آن تأکید بر همکاری دوجانبه بویژه در مورد همکاری های اقتصادی در زمینه انرژی می باشد. دولت سوئیس بدون اشاره به جزئیات تقاضای رئیس جمهور خود از احمدی نژاد در مورد خرید نفت و گاز ارزان قیمت از رژیم ایران ، سفر احمدی نژاد به سوئیس را حائز اهمیت تلقی کرده است. به نظرمی رسد نیاز اقتصادی سوئیس هم بر «بیطرفی» این کشور سایه افکنده است. مدت مدیدی است که رقابت های اقتصادی و نیاز به بازار پر سود ایران موجب شده است تا دول بزرگ صنعتی و صاحبان ثروت تعریف جدیدی از مقوله های حقوق بشر و نژاد پرستی ارائه دهند. آنان حق خود می دانند تا مصوبات بین المللی را در خدمت به منافع اقتصادی خویش تعبیر و تفسیر کنند.

از آنجاکه در یکسال گذشته بانک های سوئیس ، بویژه UBS بعنوان بزرگترین بانک این کشور، میلیاردها دلار از دست داده است ، اکنون دولتمردان این کشور سخت بتکاپو افتاده اند تا راهی برای جبران خسارتهای هنگفت وارده بیابند . کاملاً مفهوم است که در شرایط بحران کنونی ترمیم میلیاردها دلار ضرر کار آسانی نیست. از اینرو دولت سوئیس در یک سوداگری آشکار «بیطرفی» خود را درازاء یک زدوبند عریان با رژیم دیکتاتوری - مذهبی حاکم بر ایران به مناقصه گذاشت. اگر جز این واقعیت است اصلاً چه لزومی داشت جلسه ای که توسط سازمان ملل برپا شده و دولت سوئیس دعوت کننده نیست ، حال رئیس جمهورش از احمدی نژاد استقبال کند! این کار از لحاظ عرف تشریفاتی و دیپلماتیک نیز الزام آور نبوده است.

رئیس جمهور سوئیس برای توجیه رفتارش استناد می کند که ما حافظ منافع آمریکا در ایران هستیم . این موضوع را همه می دانند ، اگر دولت سوئیس به این اصل نیز پای بندبماند، بنابراین آنها حافظ منافع آمریکا هستند و نه حافظ منافع رژیم ایران در غرب . چرا در شرایطی که خود آمریکا این اجلاس را تحریم کرده رئیس جمهور سوئیس «فرصت را مغتنم شمرده» تا با احمدی نژاد تجارت کند و از او طلب خرید نفت و گاز ارزان بنماید؟

رئیس جمهور سوئیس بخاطر نیاز اقتصادی و زدوبند با رژیم دیکتاتوری - مذهبی ایران مقدم فردی را گرامی داشت که مردم ایران وی را تیر خلاص زن و جامعه جهانی او را هیتلر کوچک لقب داده است. بدون شک ، اقدام دولت سوئیس در پذیرایی از احمدی نژاد نه یک عهد شکنی با قوانین و مردم سوئیس ، بلکه یک تجاوز آشکار به حقوق مردم ایران است که سالهاست تحت سلطه نظام دیکتاتوری - مذهبی حاکم قرار دارند.

سازمان چریک های فدایی خلق ایران

A.C.P- Postfach 12 02 06-60115 Frankfurt am Main-Germany-Fax: 00-49-221-170 490 21  
Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de> E-Mail: [organisation@iranian-fedaii.de](mailto:organisation@iranian-fedaii.de)